

حافظ از منظر مقام معظم رهبری



آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) در ۲۸ آبان ماه سال ۶۷ در آیین گشایش کنگره جهانی بزرگداشت حافظ، این غزلسرای نامی در شیراز، به زیبایی و شیوایی گوشه‌ها و زوایایی از آثار نظم این شاعر همیشه ...

اشاره:

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) در ۲۸ آبان ماه سال ۶۷ در آیین گشایش کنگره جهانی بزرگداشت حافظ، این غزلسرای نامی در شیراز، به زیبایی و شیوایی گوشه‌ها و زوایایی از آثار نظم این شاعر همیشه نامدار قرن هشتم هجری را بیان کردند. این مقاله مروری بر تفسیر و شرح گوشه‌ها و پنهان شعر و زندگی این شاعر گرانسنگ، از منظر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلوة علي رسول الله و علي آله الطاهرين المعصومين

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند

کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد

به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز

به یار يك جهت حق گزار ما نرسد

هزار نفش برآمد ز كلك صنع و يكي

به دلپذیری نقش نگار ما نرسد

هزار نقد به بازار کائنات آرند

يكي به سکه صاحب عیار ما نرسد

دریغ قافله عمر کانچنان رفتند

که گردشان به هوای دیار ما نرسد

بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه او

به سمع پادشه کامکار ما نرسد

بهترین فاتحه سخن، در بزرگداشت این عزیز همیشگی ملت ایران و گوهر یگانه فرهنگ فارسی، سخنی از خود او بود که این غزل به عنوان ابراز ارادتی به خواجه شیراز، بزرگ شاعر تمامی قرون و اعصار، در حضورشماعیزان برادران و خواهران و میهمانان گرمی خوانده شد.

حافظ درخشانترین ستاره فرهنگ فارسی است: در طول این چند قرن تا امروز هیچ شاعری به قدر حافظ دراعماق و زوایای ذهن و دل ملت ما نفوذ نکرده است.

او شاعر تمامی قرن هاست و همه قشرها از عرفای مجذوب جلوه‌ها و الهی تا ادیبان و شاعران خوش ذوق، تا رندان بی‌زنجیر و پا و تا مردم معمولی هرکدام درحافظ، سخن دل خود را یافته‌اند و به زبان اوشرح وصف حال خود راسروده اند شاعری که دیوان او تا امروز هم پر نشرترین و پر فروش‌ترین کتاب بعد از قرآن است و دیوان او در همه جای این کشور و در بسیاری از خانه‌ها و یا بیشتر خانه‌ها با قداست و حرمت در کنار کتاب الهی گذاشته می‌شود.

شاعری که لفظ و معنا و قالب و محتوا را با هم به اوج رسانده است و در هر مقوله و ای زبده‌ترین و موجزترین و شیرین‌ترین گفته را دارد.

البته در جامعه ما و در بیرون از کشور ما درباره حافظ سخن‌ها گفته‌اند و قلم‌ها زده‌اند و به ده‌ها زبان دیوان او را برگردانده‌اند، صدها کتاب در شرح حال او یا دیوان شعرش نوشته‌اند، اما همچنان حافظ ناشناخته‌مانده است.

این را اعتراف می‌کنیم و بر اساس این اعتراف باید حرکت کنیم و این کنگره بزرگترین هنرش انشاء الله این خواهد بود که این حرکت گامی به جلو باشد.

در این کنگره اساتید بزرگ، شعرا، ادبا و صاحب فضیلتان و افراد صاحب نظر به حمدالله بسیارند. باید بگویند و بسرایند و بنویسند و پس از این جلسه هم باید این حرکت ادامه پیدا کند. ما حافظ را فقط به عنوان يك حادثه تاریخی ارج نمی‌نهیم، بلکه حافظ همچنین حامل يك پیام و يك فرهنگ است.

دو خصوصیت وجود دارد که ما را و می‌دارد از حافظ تجلیل کنیم و یاد او را زنده نگاه داریم، اول زبان فاخر او که همچنان بر قله زبان و شعرفارسی ایستاده است و ما این زبان را باید ارج بنهیم و از آن معراجی بسازیم به سویی زبان

پاك، پيراسته، كامل و والا، چيزي كه امروز از آن محروميم.

دوم، معارف حافظ كه خود او تاكيد مي‌<ZWNJ>كند كه از نكات قرآني استفاده<ZWNJ>كرده است. قرآن درس هميشگي زندگي انسان است و شعر حافظ مستفاد از قرآن مي‌<ZWNJ>باشد.

حافظ خود اعتراف دارد كه نكات قرآني را آموخته و زبان خودش را به آنها گشوده است. پس محتواي شعر حافظ آنجا كه از جنبه بياني محض خارج مي‌<ZWNJ>شود و قدم در وادي بيان معارف و اخلاقيات مي‌<ZWNJ>گذارد يك گنجينه و ذخيره براي ملت ما و ملت<ZWNJ>هاي ديگر و نسل<ZWNJ>هاي آينده است. چرا كه معارف والاي انساني مرز نمي شناسد. از اين روز بزرگداشت حافظ، بزرگداشت فرهنگ قرآني و اسلامي و ايراني است و نيز بزرگداشت آن اندیشه<ZWNJ>هاي نابي است كه در اين ديوان كوچك گردآوري شده و به بهترين و شيواترين زبان، بيان گرديده است.

من ماييل بودم كه امروز حداقل بتوانم بحثي مورد قبول در اين مجمع داشته باشم. ارادت به حافظ و احساس مسووليت در مقابل پيام حافظ و جهان بيني و زبان او مرا به شركت در اين اجتماع و همكاري با شما وا<ZWNJ>دارد. اما وقت محدود و گرفتاري<ZWNJ>ها به من اجازه نمي<ZWNJ>دهد، آنچنان كه دلخواه يك دوستدار حافظ است درباره او سخن بگويم، در استعجال با استمداد از حافظه و حافظ مطالبتي را آماده<ZWNJ>كرده<ZWNJ>ام كه عرض مي<ZWNJ>كنم.

بحث را در سه قسمت مطرح خواهم كرد: يك قسمت در باب شعر حافظ، قسمت ديگر در باب جهان بيني حافظ و قسمت سوم در باب شخصيت او.

آنچنان كه من از ديوان حافظ و از مجموعه سخن او برداشت مي<ZWNJ>كنم، شعر حافظ در اوج هنر فارسي است و از جهات مختلف در حد اعلاست. اين بحث كه بهترين شاعر فارسي كيست، تا كنون بحث بي<ZWNJ>جوابي مانده است و شايد بعد از اين هم بي<ZWNJ>جواب بماند. اما مي<ZWNJ>توان ادعا كرد كه به اوج سخن حافظ، يعني به اوجي كه در سخن حافظ هست، هيچ سخنسراي ديگري نرسيده است. نه اينكه مرتبه شعر حافظ در همه غزليات و سروده<ZWNJ>ها در مرتبه<ZWNJ>اي والاتر از ديگران است، بلكه به اين معنا كه در بخشي از اين مجموعه گرانها و نفيس اوجي وجود دارد كه شبيه آن را در كلام ديگران مشاهده نمي<ZWNJ>كنيم. غزل به طور طبيعي شعر عشق است. هر نوع غزل، چه عارفانه و چه غير عارفانه، بيان لطيف ترين احساسات انسان متعهد است و به طور طبيعي نمي<ZWNJ>تواند از شيوه<ZWNJ>ها و اسلوب<ZWNJ>ها و كلماتي استفاده كند كه به سخافت شعر خواهد انجاميد. چيزي كه در قصيده و مثنوي به راحتی مي<ZWNJ>توان از آن بهره برد، لذا شما مي<ZWNJ>بينيد كه سعدي بزرگ استاد سخن، سخايي را كه در بوستان نشان مي<ZWNJ>دهد در غزليات خودش نمي تواند نشان بدهد. اين طبيعت زبان غزل است و هر شاعري ناگزير در غزل محدوديت<ZWNJ>هايي دارد، حالا اگر نگاه كنيد به تشبيه<ZWNJ>ها و نسيب<ZWNJ>هايي كه شعرا معمولاً در مقدمات قصايد داشته اند، در گذشته كمتر قصيده<ZWNJ>اي بود كه از تشبيب و نسيب، يعني از همان ابيات عاشقانه<ZWNJ>اي كه شاعر در ابتداي قصيده مي<ZWNJ>سرود خالي باشد، خواهيد ديد كه هيچكدام از اين ابياتي كه به عنوان تشبيب در مقدمه و طلعيه قصايد سروده شده، نتوانسته است كار يك غزل را در بين مردم بكند، با اينكه غزل است نه هرگز خواننده<ZWNJ>اي با آن آوازي سروده و نه به عنوان وصف الحال عاشقي به كار رفته است. با اين حال طنطنه قصيده مانع آن شده است كه لطف و لطافت غزل را داشته باشد. به نظر مي<ZWNJ>رسد لطافت و نازكي در غزل به طور طبيعي با طبيعت استحكام و محكم بودن شعر در قصيده منافات دارد. اما اگر ما شعري پيدا كرديم كه با وجود غزل بودن از لحاظ استحكام الفاظ كوچكترين نقيصه<ZWNJ>اي نداشته باشد اين شعر، برترين شعر است.

اگر غزلي را ما يافتيم كه علاوه بر لطف سخن و لطافت كلمات از يك استحكام و استواري هم برخوردار بود به طوري كه بتوان جاي كلمه<ZWNJ>اي از كلمات آن را عوض كرد يا چيزي بر آن افزود يا چيزي از آن كاست بايد قبول كنيم كه اين غزل در حد اوج است و در ديوان حافظ از اين قبيل اشعار بسيار است.